

Research Article

The Functional Model of Imam Ali (s) to Protect the Resistance Front¹

Farajollah Mirarab¹
Ali Asghar Sanaei²

1. Associate Professor, Research Institute of Quranic Culture and Education, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran (**Corresponding Author**). mirarab@isca.ac.ir
2. Level 4 seminary, Qom, Iran. sanaei1143@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to explain the functional model of Imam Ali (s) to protect the resistance front. The method of study is descriptive analysis and the results showed that Imam Ali (s) as an infallible role model in governance and management has presented an accurate and operational model to maintain the integrity of the Islamic resistance forces by the following measure: explaining the destructive consequences of the domination of enemy, reassuring the resistance front forces and giving tranquility to them, boosting the spirit of potentiality among them, using slogans and inducing emotions, advertising the culture of spirituality, using women to encourage bravery, enlightenment about obscurities, supporting unity and strengthening coalition in society, teaching the forces of the resistance front to know the enemy, disambiguation about rumors, informational penetration into the enemy forces, informational care, communication with people, and presence among them.

Keywords: Imam Ali (s), Resistance Front, Knowing Enemy, Enjoining Good and Forbidding Evil, Informational Penetration.

1. **Received:** 2020/09/28; **Accepted:** 2021/01/23

* Copyright © the authors

** <http://sm.psas.ir/>



الگوی کارکردی امام علی(ع) برای حراست از جبهه مقاومت^۱

فرج الله میرعرب^۱

علی اصغر ثنائی^۲

۱. دانشیار، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم. ایران (نویسنده مسئول).

mirarab@isca.ac.ir

۲. سطح ۴ حوزه علمیه، قم، ایران.

sanae1143@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین الگوی کارکردی امام علی(ع) برای حراست از جبهه مقاومت است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج آن نشان داد که امام علی(ع) به عنوان الگوی معصوم در حکومت و مدیریت، با تبیین پیامدهای مخرب سلطه دشمن، اطمینان بخشی و آرامش آفرینی در نیروهای جبهه مقاومت، تقویت روحیه و تلقین توانمندی، استفاده از شعار و تحریک احساسات، ترویج فرهنگ معنویت گرایی، بکارگیری زنان برای تشجیع، روشنگری در مورد مسائل مبهم، اتحادگرایی و تقویت وفاق در جامعه تحت مدیریت، تقویت دشمن شناسی در افکار نیروهای جبهه مقاومت، ابهام زدایی در مورد شایعات، نفوذ اطلاعاتی در میان دشمن و مراقبت اطلاعاتی از نفوذ دشمن و ارتباط با مردم و حضور در میان آنان، الگویی عملیاتی دقیقی برای تلاشگران حراست از استحکام پیوند نیروهای مقاومت اسلامی نشان داده است.

واژه‌های کلیدی: امام علی(ع)، جبهه مقاومت، دشمن شناسی، امر به معروف و نهی از منکر، نفوذ اطلاعاتی.

۱. مقدمه

در طول تاریخ بشر، همواره حق در برابر باطل قرار داشته و باطل تلاش کرده تا با ترفندهای مختلف حق و پیروانش را تضعیف و مقاومتشان را بشکند. برای پیشگیری از موفقیت دشمن، پیروان حق باید راهبرد، تاکتیک و برنامه داشته باشند و با مسئله‌شناسی و تحقیق و تدبیر، راه‌های مقابله با ترفندها و تاکتیک‌های دشمن را بیابند و اجرایی کنند. بررسی تاریخ مقاومت جبهه حق و روش‌های اجرایی شده در برابر دشمنان مکار، دانش و تجربه مفیدی را می‌تواند به دست دهد. قرآن مطالعه الگوها و عمل کردن مطابق آن‌ها را تشویق، بلکه مورد امر قرار می‌دهد. سوره احزاب آیه ۹ تا ۲۷ در مورد غزوه احزاب است که در آیه ۲۱ می‌خوانیم: «یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر(ص) خدا الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند».

ماجرای احزاب یک نمونه است که دشمن تمام نیرویش را برای درهم شکستن مقاومت اسلامی به میدان آورده بود و از انواع ابزارها و روش‌ها برای موفقیت استفاده کرده بود. الگوی کارکردی پیامبر(ص) در این جریان درس‌های مهمی برای مؤمنان به مقاومت در روزگار ما دارد که در جای خود باید بررسی شود. در نمونه دیگر، سوره ممتحنه آیات ۱ تا ۶، حضرت ابراهیم(ع) و دشمنانش را نشان داده و از مؤمنان خواسته ابراهیم(ع) و یارانش را سرمشق و الگوی خود برای مقاومت در برابر جبهه شرک قرار دهند.

امام علی(ع) که الگوی معصوم و حجت برای همیشه تاریخ هستند، در شرایط بسیار سخت زمام رهبری جامعه اسلامی و جبهه مقاومت را به دست گرفتند و با فتنه‌های بسیاری، اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، برای شکستن بنیان مقاومت روبه‌رو بودند. جبهه امویان از هر نوع حربه‌ای برای تضعیف جبهه علوی استفاده می‌کرد و بدیهی بود که امام(ع) کارکرد لازم را در برابر انواع کارکرد دشمن داشته باشد. از این‌رو، بررسی کارکرد حضرت برای امروز جامعه اسلامی بسیار مفید خواهد بود، هر چند که بیشتر دوران حاکمیت امام(ع) در جنگ و میدان‌های نبرد سپری شد و بیشتر آنچه از کلمات و سیره حضرت مورد استشهاد است، در میدان نبرد و یا پس از آن ایراد شده‌اند، ولی ما به اقتضای زمان و شرایط عصری، می‌توانیم از سخن و سیره ایشان استنباط‌های کلان داشته باشیم، زیرا او عصری نیست و می‌تواند نیازهای امروز را برآورد.

بر این اساس، سؤال پژوهش حاضر این است که این الگو چگونه از جبهه مقاومت حراست کرده و چه کارکردهایی در این جهت داشته است؟

همچنین هدف پژوهش حاضر، یافتن الگوی مقابله با تضعیف جبهه مقاومت در سیره و سخنان امام

علی(ع)، به عنوان الگوی معصوم است که چند سالی حکومت تشکیل دادند و در برابر فتنه‌ها و دشمنان مقاومت اسلامی کارکرد عینی داشتند.

روش پژوهش نیز توصیفی استنباطی است که به سخن و سیره امیرالمؤمنین(ع) به عنوان الگوی جاوید می‌پردازد، یعنی چنان که آیات قرآن مختص شأن و سبب نزول نیستند و به قول معروف مورد مخصص نمی‌شود، سیره و سخن حضرت نیز زمانی و مکانی نیستند و در موارد مشابه و همه عصرها با رعایت تناسب راهگشا می‌باشند.

اهمیت الگوی کارکردی بدان جهت است که عمل حکایت از ایمان عمیق به ادعا دارد. «به همین دلیل، پیامبر و پیشوایان معصوم مهم‌ترین شاخه هدایت را با عمل خود نشان می‌دادند، لذا هنگامی که سخن از سنت به میان می‌آید، گفته می‌شود سنت عبارت است از قول و فعل و تقریر معصوم، یعنی پیشوایان معصوم سخن، عمل و سکوتشان همه حجت و راهنما است ... در جنگ پرمخاطره احزاب، در ایامی که مسلمانان، سخت در بوته آزمایش قرار گرفته بودند، و حوادث کوبنده نیرومندترین افراد را به لرزه درمی‌آورد، خداوند پیامبر(ص) را به عنوان الگو و اسوه‌ای از استقامت و پایداری و ایمان و اخلاص، و آرامش در میان طوفان، معرفی می‌کند (مکارم شیرازی ۱۳۷۴: ج ۲۴، ص ۲۳-۲۵). پس، یافتن راه‌حل مطمئن برای مسئله از طریق چنین مطالعاتی ممکن می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد زندگی امام علی(ع) و عملکرد او در دوران حکومتش کتاب و مقاله فراوان نوشته شده که همه می‌توانند در راستای پژوهش‌هایی از این نوع مورد استفاده واقع شوند، ولی کتاب‌ها و مقالاتی که به نوع نگاه این پژوهش کمک مستقیم کنند، فراوان نیستند. بعضی از آثار مانند کتاب «تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله»، اثر رضا جنیدی و «کتاب جنگ روانی»، اثر حسین متفکر، به فهم برخی از انواع ترفندهای دشمن و مشابه‌سازی آن‌ها برای مبارزه کمک می‌کنند. این روش‌ها و ترفندها مورد استفاده دشمنان امام علی(ع) و دشمنان امروز مقاومت اسلامی هستند.

مقاله «بررسی مسئله رابطه با شیطان عصر براساس خط‌مشی سیاسی قرآن» نیز به ویژگی‌های شیطان از نظر قرآن و شیطان عرصه بین‌الملل از نظر امام خمینی و مقام معظم رهبری پرداخته و راه‌های مقابله را بررسی کرده که در واقع برنامه شیطانی امریکا برای تضعیف و شکست مقاومت را نشان داده و نظریات امام و رهبری را برای مقابله نشان می‌دهد. همچنین مقالاتی که در مورد دشمن‌شناسی از دیدگاه علی(ع) نوشته

شده‌اند، مانند «امام علی (ع) و اصول برخورد با دشمنان»، از سید محمدعلی داعی‌نژاد، مطالب خوبی در این راستا دارند. افزون بر این، مقالاتی که به ادبیات پایداری در قرآن و حدیث و به خصوص نهج‌البلاغه مرتبط هستند نیز در این حوزه مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۳. مفاهیم پژوهش

۳-۱. مقاومت

مقاومت از ماده «قَوَمَ» به‌پا خواستن، ایستادن، ثابت و پایدار بودن در طلب چیزی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۶۹۰) معنی شده است. مقاومت در قرآن نیامده، ولی «استقامت» واژه‌ای از ریشه همین لفظ آمده که معنا و مقصود از این واژه را به خوبی می‌رساند. قرآن در آیه ۱۱۲ سوره هود خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِّن تَابٍ مَّعَكَ»، «راست باش ای محمد چنان‌که تو را فرموده‌اند و نیز آن مؤمنانی که با تو، به درگاه خدای آمده‌اند!» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۰، ص ۳۴۴-۳۴۵).

استقامت، پایداری و مداومت در مسیر معین و یگانه است، به‌گونه‌ای که سالک هرگز به چپ و راست از مسیر حرکت منحرف نشود (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۳۰۳) و در مقام بندگی «انجام دادن تکالیف و ترک منهیات مطابق دستور و پایداری در این طریق است» (همان: ص ۳۰۴).

معنای غالب در واژه مقاومت، ایستادگی و مقاومت کردن در برابر چیزی است که توازن و تعادل را برهم زده، خواه این عامل درونی باشد، مانند امیال نفسانی یا بیرونی، مانند بیماری یا تجاوز و اشغال‌گری (میرقادری و کیانی، ۱۳۹۱: ص ۷۰).

مقاومت یا طبق قرآن استقامت، چنان سخت است که «عبد الله عباس گفت: هیچ آیتی بر رسول (ص) نیامد از این آیت سخت‌تر، و برای آن گفت اصحابان را، آنکه که او را گفتند: یا رسول الله! پیری به سوی تو شتافت، گفت: سوره هود مرا پیر بکرد» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۰، ص ۳۴۵).

معنای اصطلاحی مقاومت را در کلام مبتکرش باید جستجو کرد. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «معنای مقاومت این است که انسان راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند، در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتواند او را از حرکت در این راه منصرف ... و او را متوقف کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

برای تبیین معنا ایشان مثال زده‌اند: «فرض کنید ... در یک جاده‌ای انسان به مسیلی ... حفره‌ای برخورد

می‌کند، یا در حرکت در کوهستان که می‌خواهد ... به قله کوه برسد، به صخره‌ای برخورد می‌کند، بعضی‌ها وقتی که برخورد می‌کنند ... برمی‌گردند ... منصرف می‌شوند، بعضی نه، نگاه می‌کنند ببینند راه دور زدن این صخره چیست، راه مقابله با این مانع کدام است، آن راه را پیدا می‌کنند یا مانع را برمی‌دارند یا با یک شیوه عاقلانه از مانع عبور می‌کنند؛ مقاومت یعنی این (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱۴). پس مقصود از مقاومت، انتخاب راه و پایداری در راه است.

۲-۳. الگو

الگو که واژه قرآنی آن اسوه است، به معنای «پیشوای شایسته (و کسی است که شایسته جلودار بودن است) می‌باشد. اگر گفته شود فلانی اسوه من است، یعنی من به او اقتداء می‌کنم. اگر خدای متعال فرموده: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، «یقیناً برای شما در [روش و رفتار] پیامبر خدا الگوی نیکویی است» (احزاب، ۲۱)، مقصود این است که باید او را مقتدا قرار داد ... در یاری دین خدا، در صبر و پایداری در صحنه‌های جنگ به‌گونه‌ای که او عمل کرد که استخوان دنده‌اش شکست، ابرویش زخمی شد و عمویش کشته شد، ولی از سپر قرار دادن خود برای حفظ جان شما دریغ نکرد، آیا شما مانند او عمل کردید و او را اسوه و الگوی خود قرار دادید (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۸، ص ۵۴۸).

۳-۳. الگوی کارکردی

مقصود از این اصطلاح عملکردی است که امام علی(ع) در طول امامت و به‌خصوص مدیریت میدانی، داشته‌اند؛ چنان‌که قرآن تعبیر «استقامت مطابق فرمان» (هود، ۱۱۲) آورده است. براساس اعتقاد به عصمت امام علی(ع)، کارکرد او براساس مبانی الهی بوده و خطا در آن راه نداشته و قابل الگوبرداری است. این الگو زمان و مکان ندارد و در تمام مصادیق توسعه یافته مسائل و موضوعات کارکرد مفید دارد.

۴. کارکرد امام علی(ع) برای پیشگیری از تضعیف جبهه مقاومت

در میان معصومان و شاگردان و جانشینان پیامبران، دوران حکومت امام علی(ع) یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین دوره‌های تاریخ اسلام، حتی تاریخ بشریت بود؛ چرا که در این برهه، دشمن نه تنها از ترفندهای غیرشرعی، بلکه غیراخلاقی و غیرانسانی استفاده می‌کرد تا مقاومت جبهه علوی را تضعیف و در نهایت بشکند و به اسلام ضربه بزند. در مقابل حضرت با تکیه بر قدرت الهی و چاره‌اندیشی به هنگام، با برنامه دشمن مبارزه کردند. این کارکرد الگویی شایسته است که می‌تواند در مقابل حیل‌های دشمن، واکنشی

درخور و به موقع را آموزش دهد و مانع عملی شدن نقشه‌ها و ترفندهای شوم دشمنان شود.

۴-۱. تبیین پیامد سلطه دشمن

دشمن همواره سعی می‌کند که دوران حاکمیت جبهه مقاومت را سخت و سیاه نشان دهد و رفاه و آسایش را به حذف حاکمیت این گروه موکول کند. حيله‌گرترین دشمن امیرالمؤمنین(ع) معاویه بود که همواره حکومت حضرت را مایه بدبختی مردم نشان می‌داد. امام علی(ع) برای خنثی کردن این تبلیغات به روشنگری پرداخته و حاصل سلطه تفکر امویان را استواری باطل، اندکی دعوت‌کنندگان به حق و بی‌مشتی شدن حقیقت، فراگیری میل به شکستن قوانین خدا در میان مردم، وقوع نوعی هم‌گرایی در جدا شدن از دین حق، دوستی براساس دروغ‌پردازی، دشمنی فرزند با پدر، پر شدن جایگاه‌های اجتماعی از پست‌فطرتان، کمیاب شدن راستی و فراوانی دروغ، افتخار به گناه و پوشاندن پوستین واژگونه بر اسلام توصیف می‌کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸).

حضرت با بیان این پیامدها درصدد پایدار کردن مردم بر تفکر خود بودند. در جایی دیگر به حلال شدن محرمات و شکسته شدن عهد و پیمان‌ها در حکومت بنی‌امیه اشاره نموده و می‌فرماید: «هیچ حرامی را باقی نمی‌گذارند، مگر آنکه آن را حلال می‌شمارند و هیچ عهد و پیمانی را باقی نمی‌گذارند، مگر آنکه آن را نقض می‌کنند و هیچ خانه و خیمه‌ای را باقی نمی‌گذارند، مگر آنکه ظلمشان در آنجا راه یابد و فساد و بدی سیاستشان مردم را از خانه‌های خویش فراری می‌دهد (خانه‌ها ویران و بی‌صاحب می‌شود)، تا آنکه (در حکومتشان) دو گروه بگیرند: گروهی برای دین خود، که آن را از دست داده‌اند و گروهی برای دنیای خود که به آن نرسیده‌اند، و یاری یکی از شما به آنان، همانند کمک برده به اربابش خواهد بود که از (ترس)، در حضور او طاعت، و در غیاب او بدگویی می‌کند. (در این حکومت) هرکس به خدا امیدوارتر باشد، بیش از همه در رنج خواهد بود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۹۷).

براساس این الگو، رهبری باید همواره پیامدهای حاکمیت دشمنان مقاومت را به مردم یادآوری کند، چنان‌که رهبری انقلاب اسلامی از آغاز انقلاب همواره پیامدهای نفوذ و حاکمیت تفکر آمریکایی را بر سرزمین‌های اسلامی و به‌خصوص ایران گوشزد کرده‌اند.

۴-۲. اطمینان‌بخشی و آرامش‌آفرینی

یکی از برنامه‌های دشمنان برای شکستن روحیه مقاومت در جبهه علوی، ایجاد ترس و وحشت میان مردم

تحت حکومت امیرالمؤمنین (ع) بود. معاویه و خوارج به شدت از این روش استفاده کردند. «ترور یا تهدید، تلاش در برانگیختن ترس و هراس در مخاطب، جهت تحت فشار قرار دادن وی برای اطاعت و تسلیم بوده و یکی از مؤثرترین شیوه‌های جنگ روانی است. اصطلاح ترور دربرگیرنده مراتب و درجات متعددی از ایجاد نگرانی، دلهره و ترس با قتل و کشتار فیزیکی و ترور شخصیت است (متفکر، ۱۳۸۷: ص ۱۵۵). در مقابل، «روش اطمینان‌بخشی به معنای فروکش نمودن ترس و وحشت در میان مخاطبان است، در واقع همان‌گونه که ترس در رفتار انسان اثر دارد، فروکش کردن آن نیز منجر به تغییر رفتار می‌شود» (جنیدی، ۱۳۸۹: ص ۱۸۵).

در زمان امیرالمؤمنین (ع)، یکی از بدترین دشمنان وی، گروه بی‌بصیرت خوارج بودند که از هیچ اقدام وحشیانه‌ای خودداری نکرده، بلکه این وحشی‌گری را دفاع از اسلام می‌خواندند؛ آن‌ها «به صورت راهزنان خطرناکی، طرفداران علی (ع) را ترور می‌کردند و هیچ کس از تیررس تکفیر و طغیان شمشیر و دشنه‌های آنان در امان نبود» (محدث نوری، ۱۳۶۱: ص ۱۴۵). ازجمله ترورهای آنان به شهادت رساندن «عبدالله بن خباب» بود که در دادگاه صحرائی خوارج محکوم به اعدام شد و همانند گوسفند سرش را بریدند، همسر باردارش را کشتند، شکم او را پاره کرده و فرزند بی‌گناهش را بیرون آورده و ذبح کردند» (همان: ص ۱۴۸).

معاویه از همان روزهای آغازین حکومت امام علی (ع)، برای براندازی و غصب آن، از هیچ تلاش نظامی - روانی دریغ نورزید و افرادی چون «سفیان بن عوف غامدی»، «قیس فهری» و «بسر بن ابی‌أرطاة» را برای غارت‌گری، تهاجم و هرج و مرج به کار گرفت تا مردم را نسبت به حکومت امیرمؤمنان (ع)، مأیوس کرده و از قدرت خود وحشت‌زده نماید. معاویه «بسر بن ابی‌أرطاة سخت‌دل و خون‌ریز را راهی یمن کرد و گفت: چون به مکانی رسیدی که مردمش در اطاعت علی (ع) بودند، نخست زبان برگشای و چنان تهدید کن که یقین کنند از دست تو رهایی ندارند؛ سپس به بیعت با من دعوت کن و هر کس سر برتافت بکش و شیعیان علی (ع) را هر جا که یافتی قلع و قمع کن» (ثقفی، ۱۳۵۵: ص ۵۹۸).

در مقابل، امام علی (ع) با برجسته کردن سابقه پیروزی‌های خود و بیان شکست‌های دشمن به تقویت نیروهایش اقدام می‌کرد. معاویه در سرزمین صفین، در سال ۳۶ هجری قمری نامه‌ای تهدیدآمیز به علی (ع) نوشته و به خیال خود به دنبال ایجاد ترس و هراس در آن امام (ع) بود؛ امام نیز پاسخی کوبنده و دندان‌شکن داد و به شجاعت‌ها و دلاوری‌های خود در نبرد بدر و قتل و عام خاندان منافق سفیانی اشاره فرمود: «ای معاویه! مرا به جنگ خوانده‌ای؛ اگر راست می‌گویی، مردم را بگذار و به جنگ من بیا؛ من ابوالحسن، کشنده جد، دایی و برادر تو در روز نبرد بدر هستم که سر آنان را شکافتم؛ امروز همان شمشیر با من است»

(نهج البلاغه، نامه ۱۰).

همچنین حضرت در مقابل ناکثینی که جاه‌طلبی‌های خود را در خونخواهی عثمان پنهان کرده و با جاروجنجال پوشالی قصد ترساندن مسلمانان را داشتند، می‌فرماید: «اصحاب جمل چون رعد خروشیدند و چون برق درخشیدند، اما کاری از پیش نبردند و سرانجام سست گردیدند! ولی ما این‌گونه نیستیم، تا عمل نکنیم رعدوبرقی نداریم و تا نباریم سیل جاری نمی‌سازیم» (نهج البلاغه، خطبه ۹).

این نوع بیان و رفتار براساس آن در نیروهای مقاومت اعتمادبه‌نفس ایجاد می‌کند، چنان‌که رهبری انقلاب خطاب به استکبار جهانی می‌فرماید: «ملت ایران مذاکره‌ی زیر سایه‌ی تهدید را برنمی‌تابد. چرا تهدید می‌کنند؟ چرا غلط زیادی می‌کنند؟ می‌گویند اگر چنین نشود، چنان نشود، ممکن است ما حمله نظامی به ایران بکنیم، اولاً، که غلط می‌کنید، ثانیاً، من در زمان رئیس‌جمهور قبلی آمریکا - آن وقت هم تهدید می‌کردند - گفتم دوران بزن و درو تمام شده؛ این جور نیست که شما بگویید می‌زنیم و درمی‌رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم. این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد» (بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور ۱۳۹۴/۲/۱۶).

۴-۳. تشجیع و تحریک احساسات

امیرالمؤمنین (ع) با ایراد خطبه‌های غزا در وصف مبارزه و جهاد، بهشت و جایگاه شهداء، سپاهیان خود را دعوت به مبارزه می‌نمود و روحیه شهادت‌طلبی را در آن‌ها زنده می‌فرمود: «کیست که شتابان و بانشاط با جهاد خویش به‌سوی خدا حرکت کند؛ همانند تشنه‌کامی که به‌سوی آب می‌دود؟ بهشت در سایه نیزه‌های دلاوران است. به خدا سوگند که من به دیدار شامیان در میدان نبرد شیفته‌ترم تا آنان، به بازگشت به خانه‌شان که انتظار آن را می‌کشند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴).

بر همین اساس به فرزند خود، در میدان نبرد فرمودند: «اگر کوه‌ها از جای کنده شوند، تو ثابت و استوار باش، دندان‌ها را بر هم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت بده، پای بر زمین می‌خکوب کن، به صفوف پایانی دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم‌پوش و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱).

در جایی دیگر، با تعبیر آزادمردان و غیورمردان، غیرت خفته یارانش را بیدار و آن‌ها را دعوت به جهاد کرده است: «کجایند آزادمردانی که به حمایت مردم خویش برخیزند؟ کجایند غیورمردانی که به هنگام

نزول بلا و مشکلات مبارزه می‌کنند؟ هان مردم!! ننگ و عار پشت سر شما و بهشت در پیش روی شماست» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۱).

آن حضرت برای اعتلای روحیه جبهه مقاومت از ابزارها و روش‌هایی استفاده کرده‌اند، از جمله:

۴-۳-۱. استفاده از یادآورهای رسول خدا(ص)

سپاهیان علی(ع) همان افرادی بودند که روزی در رکاب پیامبر خاتم(ص) در راه تنزیل قرآن به جهاد پرداخته و امروز نیز برای مبارزه با تأویل نادرست معاویه از قرآن، در زیر پرچم ایشان گردآمده بودند. از این‌رو، حضرت در جنگ‌های خود از پرچم، عمامه و مرکب پیامبر(ص) استفاده می‌فرمود، تا آنان دلاوری‌های خود را در زمان رسول خدا(ص) به خاطر آورند. برای نمونه در جنگ صفین هنگامی که حملات دشمن شدت یافته و سپاهیان علی(ع) از اطراف ایشان پراکنده شده بودند، «بر اسب پیامبر(ص) (مرتجز) نشست، و عمامه آن بزرگوار را بر سر گذاشت و به‌سوی دشمن هجوم برد» (ابن مزاحم، بی‌تا: ص ۱۷۶). پس از به اهتزاز درآوردن پرچم رسول خدا(ص)، اصحاب به یاد دوران پرافتخار ایشان گفتند: «این پرچمی است که ما در رکاب پیامبر(ص)، در زیر آن گرد هم می‌آمدیم و جبرئیل یاریگرمان بود» (ابن عبدالبر، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۲۹۲).

۴-۳-۲. تلقین توانمندی در مقابل دشمن

تلقین اعتماد و اتکای به جبهه حق و دل بستن به درون و اطمینان دادن به کفایت درون از بیرون و بیگانه، روشی بسیار کارساز در پیشرفت جبهه مقاومت و پیروزی آن است. «امیرمؤمنان(ع) به فرزندش محمد فرمود: پرچم را بگیر و حرکت کن ... به کمک خداوند به خود تلقین کن که بر آنان پیروز می‌شوی و کم اعتمادی به خود، تو را زبون نسازد که این بدترین خواری است» (شیخ مفید، ۱۳۷۴: ص ۳۵۵).

۴-۳-۳. استفاده از شعارهای حماسی و کوبنده

امام علی(ع) همواره در میدان نبرد برای حفظ روحیه نیروها و ایجاد رعب و وحشت در میان سپاه دشمن و تضعیف روحیه آنان، از شعارهای حماسی کوبنده استفاده می‌کردند. «همواره شعار ایشان الله اکبر و لا اله الا الله بود و می‌فرمود: «پیامبر اکرم(ص) دستور دادند قبل از جنگ شعار دهید و شعارتان هم، نامی از نام‌های خداوند باشد» (نوری طبرسی، ۱۳۶۷: ج ۱۱، ص ۱۱۳).

در نبرد صفین هنگامی که سواره‌نظام علی(ع) به علت پیشروی در قلب لشکر شامیان محاصره شده بودند، امام(ع) به «عبدالله بن حارث جعفی» فرمود: «تو بر سپاه شام حمله کن و خود را به یاران ما برسان

و به آن‌ها بگو شما از آن‌سو تکبیر بگویید و ما از این‌سو، به‌گونه‌ای که یکی از جوانب حلقه محاصره دشمن از دو سو تحت فشار قرار گیرد تا درهم شکسته شود» (ابن ابی الحدید، ۱۳۴۴: ج ۳، ص ۱۷۷) و سرانجام این تدبیر امام (ع) باعث پیروزی سپاه حق و کشته شدن ۷۰۰ تن از شامیان شد.

۴-۳-۴. دعا و مناجات

امام علی (ع) با شناخت آثار دعا و نیایش در روحیه رزمندگان، قبل از آغاز نبرد و حتی در میدان نبرد، به نیایش و دعا می‌پرداخت. خطبه ۱۷۱ و نامه ۱۵ نهج البلاغه حکایت از نیایش حضرت در میدان مبارزه دارد.

۴-۳-۵. استفاده از زنان برای تشجیع مردان

امام علی (ع) گاهی در هنگامه نبرد از جمله صفین، برای تضعیف روحیه دشمن، نیروهایی را از میان زنان و مردان برای تبلیغات در برابر دشمن برمی‌گزید. در نبرد صفین «بسیاری از زنان مکتبی و متعهد شرکت داشتند و به‌عنوان لشکر تبلیغات امام (ع)، روحیه سپاه شام را متزلزل و روحیه رزمندگان علوی را تقویت می‌کردند، مانند «سوده همدانی»، «دارمیه هجونی» و «امال خیر» (آیینه وند، بی‌تا: ص ۱۷۱).

۴-۴. احیای فرهنگ مسئولیت فراگیر (امر به معروف و نهی از منکر)

قوی‌ترین روش برای تضعیف جبهه ایمانی، ترویج فساد و فحشاء است. در صورت موفقیت دشمن در اجرای این برنامه، مؤمنان دیگر دغدغه‌ای برای مبارزه با دشمن در راه حفظ آرمان‌های خود نخواهند داشت. در دوران خلافت امام علی (ع) معاویه از جمله با استفاده از تاکتیک رواج فساد و فحشاء، برای کم‌رنگ کردن روحیه شهادت‌طلبی و آرمان‌خواهی به شدت تلاش کرد. برای مقابله با این تهاجم، همیشه حضور پلیس و اجبار مؤثر نخواهد بود، بلکه همه مردم باید احساس مسئولیت کنند و از معروف‌ها دفاع و با منکرات مبارزه نمایند. امام علی (ع) با توجه به اهمیت این موضوع، فراموش شدن این نظام را یک خطر قلمداد کرده و عامل لعن و غضب از سوی خداوند متعال می‌داند: «خدای سبحان مردم روزگاران گذشته را از رحمت خود دور نساخت، مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر. پس خداوند، بی‌خردان را برای نافرمانی و خردمندان را برای ترک بازداشتن دیگران از گناه، لعنت کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲).

ترویج احساس مسئولیت همگانی که در اسلام با امر به معروف و نهی از منکر ظهور واقعی در جامعه پیدا می‌کند، مورد توجه اکید امام علی (ع) بوده است. البته، بحث تفصیلی این موضوع در سیره و سخن امام علی (ع) پژوهشی مستقل و مفصل را می‌طلبد، ولی به‌طور کلی ترویج این فریضه و گفتمان‌سازی در جهت فرهنگ شدن آن، راهی بی‌بدیل برای حفاظت از جریان مقاومت است.

۴-۵. روشنگری و مبارزه با شایعات

مشغول کردن مردم به شایعات یکی از روش‌های دشمن برای تضعیف مقاومت و انحراف آنان از اهداف اصلی است. «می‌توان شایعه را به خنجر مسمومی تشبیه کرد که با استفاده از پست‌ترین صفات بشری مانند بزدلی و پستی، بر پشت بی‌گناهان فرود می‌آید و غالباً این سلاح موجودیت جامعه و اصول تمدن را مورد حمله قرار می‌دهد» (نصر، ۱۳۸۵: ص ۲۹). در فن شایعه، دشمن سعی می‌کند واقعیتی را که برای مردم مهم است، به صورت تحریف شده رواج دهد و یا خبرهای ضدّ و نقیضی در میان آنان منتشر کند تا افراد ناآگاه دچار تردید شوند، چنان‌که در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی انواع شایعات و دروغ‌ها، علیه امام خمینی، مقام معظم رهبری و بسیاری از تأثیرگذاران در جبهه مقاومت از سوی استکبار منتشر شده است. بنابراین، می‌توان گفت: «اثر شایعه بسی فزون‌تر و فراگیرتر از تأثیرات حاصل از رسانه‌های رسمی است، زیرا شایعه اغلب در فضای رکودی رواج می‌یابد که عاملان عملیات روانی با بهره‌گیری از فنون و تاکتیک‌هایی همچون تاکتیک تخریب، آن را پدید آورده‌اند» (جنیدی، ۱۳۸۹: ص ۲۸۲).

امیرمؤمنان علی(ع) به شکل‌های مختلف با شایعات مبارزه کرد و در بیداری مردم کوشید، چنان‌که در ضمن نامه‌ای که به مردم مصر نوشت، با تأکید بر دشمن‌شناسی، اهمیت اصل بیداری و عدم غفلت از دشمن را یادآور شده‌اند: «رزمنده و عاشق مبارزه، بیدار و هوشیار است، زیرا می‌داند: هر آن‌کس که به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید» (نهج البلاغه، نامه ۶۲).

حضرت در واکنش به شایعه معاویه که او را متهم به همکاری با قاتلان عثمان می‌کرد، فرمود: «معاویه! دست از این ادعاها بردار؛ کدام یک از ما دشمنی‌اش با عثمان بیشتر بود و راه را برای کشتندگانش فراهم آورد؟ آن‌کس که به او یاری رساند و از او خواست به جایش بنشیند و به کار مردم رسد یا آنکه از او یاری خواست و دریغ کرد و به انتظار نشست تا مرگش فرارسد؟» (نهج البلاغه، نامه ۲۸).

عمرو عاص شایعه می‌کرد که علی(ع) بسیار سبک و اهل شوخی و مزاح است، امام(ع) برای آگاهی مردم فرمودند: «شگفتا از عمرو عاص پسر نابغه! میان مردم شام گفت که من اهل شوخی و خوش‌گذرانی بوده و عمر بیهوده می‌گذرانم! مردم! آگاه باشید او(عمرو عاص) سخن می‌گوید، پس دروغ می‌بندد ... بدانید به خدا سوگند که یاد مرگ، مرا از شوخی و کارهای بیهوده باز می‌دارد، ولی عمرو عاص را فراموشی آخرت از سخن حق بازداشته است» (نهج البلاغه، خطبه ۸۳).

ناکثینی که تا دیروز خود از مخالفان عثمان بودند و بر کشتن او حریص بودند، به خونخواهی عثمان به‌پا

خواسته (نهج البلاغ، خطبه ۱۷۴) و شعار «ای مردم قاتلین عثمان را لعنت نمایید» (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ص ۲۸۵) سر می دادند و با ادعای انتقام خون وی به جنگ با امام (ع) آمده بودند. امام علی (ع) با بصیرت کامل، از بازی شیطانی آنان پرده برداشت و چهره آنان را افشاء کرد: «از بنده خدا، علی امیر مؤمنان (ع)، به مردم کوفه ... شما را از کار عثمان چنان آگاهی دهم که شنیدن آن چونان دیدن باشد، مردم بر عثمان عیب گرفتند، و من تنها کسی از مهاجران بودم که او را به جلب رضایت مردم واداشته، و کمتر به سرزنش او زبان گشودم. اما طلحه و زبیر، آسانترین کارشان آن بود که بر او یورش برند، و او را برنجانند، و ناتوانش سازند. عایشه نیز ناگهان بر او خشم گرفت، عده ای به تنگ آمده او را کشتند» (نهج البلاغه، نامه ۱).

۴-۶. تلاش برای حفظ وحدت جامعه

تفکر «اختلاف بینداز و حکومت کن»، سیاست مدام دشمنان مقاومت است؛ چراکه وحدت و همدلی افراد یک جامعه مهم ترین مؤلفه پیروزی است. گروه های بسیاری برخلاف فراوانی افرادشان، به دلیل اختلاف و دودستگی، طعم تلخ شکست را چشیده اند. علی (ع) می فرماید: «مادام که افکار شما پراکنده است، فراوانی تعداد شما سودی ندارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۹).

تجربه جمهوری اسلامی در عصر حاضر به روشنی نشان می دهد که اختلاف افکنی ابزار اساسی دشمن در جنگ نرم برای تضعیف روحیه مقاومت است. به فرمایش رهبر معظم انقلاب «یکی از ابزارهای جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند، یک بهانه ای پیدا کنند با این بهانه ایجاد اختلاف کنند بین مردم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۴).

دشمنان امام علی (ع) چنین می کردند: «ناکثین، بر کارگزاران و خزانه داران بیت المال مسلمانان که در فرمان من بودند، و بر مردم شهر که طاعت و بیعت می نمودند، درآوردند. آنان را از هم پراکندند و به زیان من، میانشان اختلاف افکندند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۸).

در مقابل چنین جریانی، رهبری الهی می داند که «با وجود اتحاد است که حیات اجتماعی معنا می یابد و هر فردی می تواند این امید را داشته باشد که به حقوق طبیعی اش می رسد. اصولاً یکی از ابعاد حاکمیت، وجود یک دلی و اتحاد در اندیشه ها و عواطف می باشد» (محمدی، ۱۳۸۰: ص ۱۵۱).

براساس این تفکر، حضرت به مردم می فرمود: «ای مردم امواج فتنه ها را با کشتی های نجات درهم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی بهره یزید و تاج های فخر و برتری جویی را بر زمین نهید» (نهج البلاغه، خطبه ۵).

اگر چنین شود، نتیجه آن می‌شود که قرآن می‌فرماید: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ: چه بسیار گروه‌های اندکی که به اذن خداوند، بر گروه‌های فراوانی پیروزی یافتند» (بقره، ۲۴۹).

۴-۷. مبارزه با جعل و جاعلان

دشمن جبهه علوی جهت مشوش کردن ذهن مردم و مسموم نمودن فضای جامعه احادیثی جعل می‌کرد. معاویه سردمدار این جریان بود. او به افرادی از جمله «عبدالله سلام»، «وهب بن منبه» و «ابوهریره» مأموریت داد تا این نقشه پلیدش را عملی کنند، به گونه‌ای که فضای جامعه پس از اقداماتی از این دست، روزبه‌روز برای مردم شبهه‌ناک‌تر و غبارآلودتر می‌شد، از جمله احادیثی که معاویه در میدان نبرد تحریف کرد، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) درباره عمار یاسر بود. از روزی که ایشان درباره وی فرمود: «ای عمار! گروهی ستمگر و طغیانگر تو را به قتل خواهند رساند» (ابن مزاحم، بی‌تا: ص ۱۴۴)، عمار، میزانی برای تشخیص سپاه حق و باطل در میدان نبرد بود. تا این که در جنگ صفین ایشان به شهادت رسید و در میان لشکریان معاویه آشوب و جنجالی به پا شد و آن‌ها برای ماندن در کنار معاویه دچار تردید شدند. از این رو معاویه با شنیدن خبر تردید و جنجال سپاهش، دست به تحریف معنوی این حدیث شریف زد و گفت: «آری این حدیث درست است، اما این ما نیستیم که عمار را کشتیم بلکه علی (ع) او را به میدان جنگ کشاند و به کشتن داد، پس سپاه علی (ع) همان ستمگران هستند» (ابن مزاحم، بی‌تا: ص ۱۴۴).

پس از آنکه دشمن از طریق ترویج احادیث ساختگی، در تیره کردن فضا و گمراه نمودن مردم جامعه اسلامی از هیچ تلاش و حقه‌ای دریغ نورزید، امام علی (ع) برای نجات مردم از سرگردانی و انحراف، احادیث اصلی و جعلی را مشخص نموده و هنگامی که شخصی درباره احادیث گوناگونی که در میان مردم رواج داشت، پرسید، امام علی (ع) در پاسخ وی، انواع احادیث و راویان آن را دسته‌بندی کرده و فرمود: «احادیثی که در دسترس مردم قرار دارد، هم حق است هم باطل، هم راست است هم دروغ، هم ناسخ است هم منسوخ، هم عام است هم خاص، هم محکم است و هم متشابه» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰).

۴-۸. فراهم کردن فضای ابهام‌زدایی

شبهه‌پراکنی از شگردهای دشمنان جبهه مقاومت است. شبهات اعتقادی علیه شخصیت‌های برجسته مقاومت از همه شبهات بیشتر مورد توجه است. شبهاتی که علیه تفکر فلسفی و عرفانی امام خمینی مطرح شده بود، معروف است. با توجه به گستردگی محیط شبه‌جزیره و پراکندگی قبایل، امکان آشنایی همه

مسلمانان با افکار و اندیشه‌های امام علی (ع) وجود نداشت. دشمن از این فرصت استفاده کرده و افکار و اعتقادات باطلی را به امام (ع) نسبت داده بود. امام (ع) بارها، در موقعیت‌های مختلفی به مناظره با گروه‌های مخالف و پرسش و پاسخ با آنان می‌پرداخت تا شبهات آنان را برطرف و افراد ناآگاه را آگاه کند. گفت‌وگوی امام (ع) با بیک معاویه یک نمونه است. «معاویه برای تهدید علی (ع) و یارانش نامه سفیدی را به مردی خشن، بدزبان، بی‌باک و شرور داد و او را به کوفه فرستاد تا در حضور اصحاب، به فحاشی، توهین و تحقیر حضرت پردازد و به ایشان تهمت قتل عثمان بزند! امام (ع) مانع تعرض یاران به این مرد شد و با مهربانی، تهمت‌های شامیان را از زبان او شنید، مستدل و گویا پاسخ گفت، آزادی بیان او را تأمین کرد. او در برابر اخلاق امام علی (ع) شرمند شد و گفت: یا امیرالمؤمنین (ع) امروز که تو را دیدم و اخلاق تو را مشاهده کردم، هیچ آفریده‌ای را مثل شما دوست نمی‌دارم. من در جمع یاران تو می‌مانم و هرگز به شام برنمی‌گردم تا روزی که در رکاب تو شربت شهادت بنوشم» (کوفی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۹۶).

امام علی (ع) پس از جنگ جمل نیز، بر منبر مسجد کوفه، ضمن افشای شخصیت‌ها و اندیشه‌های شیطانی، به افراد اجازه داد تا با آزادی تمام دیدگاه‌ها و نظرات خود را بیان کنند. یکی از این افراد «ابوبدر بن عوف ازدی» از دوستان خلیفه سوم بود که در پای منبر حضرت بلند شد و اشکالات و شایعات را مطرح و پاسخ خود را شنید و سرانجام گفت: «ای امیرالمؤمنین (ع) تاکنون دچار شک و تردید بودم، اما اکنون هدایت گردیدم» (سپهر، ۱۳۵۴: ج ۳، ص ۲۱۳).

۴-۹. فرستادن معتمدین دانا و قوی به میان مردم

طبیعی است که رهبر یک امت و کشور نمی‌تواند به تنهایی در همه شهرها و مناطق بگردد و فضای مسموم و پر از شبهه و شایعه را روشن نماید و یا با تک‌تک افراد به بحث و گفتگو پردازد. از این‌رو، نیاز است افرادی جان بر کف، بصیر، باایمان و به تعبیر مقام معظم رهبری افسر جنگ نرم، مسئولیت ارشاد مردم را بر دوش کنند. ازجمله این افراد، عمّار یاسر، طلایه‌دار مبارزه با فتنه‌ها بود. وی از شاگردانی بود که همواره و در مناسبت‌های مختلف با تک‌تک سران و با عموم مردم به مناظره می‌نشست، خطبه می‌خواند و شبهات را کنار می‌زد تا حقیقت ناب الهی را روشن سازد. ازجمله اقدامات وی، نامه‌نگاری عایشه و پاسخ دادن به شبهاتش، مناظره با «مغیره»، «عبدالله بن عمر»، پسر «ابی وقاص»، «محمد پسر مسلمة انصاری» بود. «عمّار یاسر کسی بود که به حسب ظاهر، حرکتش از همه خفیف‌تر بود، ولی نشاط و فعالیتش از همه بیشتر. او در عین حال، آن‌چنان کسی بود که در پیشرفت امر حق می‌کوشید و مراقب تمام جریانات روز بود.

در ضمن چهار ماهی که از بیعت علی(ع) در مدینه گذشته بود، یعنی قبل از عزیمت علی(ع) برای رویارویی با ناکثین (عهدشکنان) به طرف بصره، کار عمار این بود که یکی را دعوت کند و یکی را در بقای بر عهدش تقویت نماید و یکی را سر جایش بنشاند» (شرف الدین، بی تا: ص ۲۹۷).

۴-۱. نفوذ اطلاعاتی

همواره یکی از شگردهای موفق جهت شناسایی نقشه‌ها و طرح‌های دشمن و به دنبال آن پیش‌بینی رفتارها و عملکردهایش، استفاده از نیروهای نفوذی در تشکیلات دشمن بوده است. با نگاهی به نهج البلاغه و توجه به لفظ عینک (مأمور اطلاعاتی) در می‌یابیم علی(ع) به این تاکتیک عنایت ویژه‌ای داشته است. از جمله هنگامی که عوامل سیاسی و اغفال‌گر معاویه، قصد تبلیغات مسموم در مراسم حج را داشتند، امام(ع) از طریق نیروی اطلاعاتی خود در بدنه دستگاه معاویه، از این نقشه شوم باخبر شده و به فرماندار مکه، «قثم بن عباس» نوشت: «مأمور اطلاعاتی من در شام به من نوشته و خبر داده است که گروهی از مردم شام در مراسم حج می‌خواهند شرکت کنند، گروهی کوردل، ناشنوا و کور دیده که حق را با باطل درهم می‌آمیزند» (نهج البلاغه، نامه ۳۳).

۵. نتیجه‌گیری

تشکیل جبهه مقاومت و منسجم کردن آن کاری بس سخت است، ولی حفظ جبهه مقاومت و مصون‌سازی آن از تأثیر برنامه‌های دشمن کاری به مراتب سخت‌تر می‌باشد. دشمنان مقاومت هر روز برنامه نو و طراحی جدید دارند که به تناسب نوع نبرد، استراتژی و تاکتیک مقابله با آن باید تغییر کند. حفاظت از جبهه مقاومت همیشه با سلاح و طرح‌های نظامی صرف ممکن نیست، چه‌بسا که دشمن بخواهد با جنگ نرم مقاومت مؤمنان و پیروان اسلام ناب را بشکند و بدون درگیری و نبرد نظامی، افراد را در جهت اهداف موردنظر خود سوق دهد. چه این‌که این نوع نبرد از آغاز تمدن بشر، امری معمول و رایج بوده است. از این‌رو اصل دشمن‌شناسی و شناخت مکانیسم‌های جبهه دشمن، از موضوعات مهم و غیرقابل اغماض است. برای نمونه می‌توان گفت: در زمان امام علی(ع)، عملیات روانی و تبلیغات مسموم از مهم‌ترین عوامل پیشبرد جنگ، چه در سپاه حق و چه در لشکر باطل بود. دشمنان اسلام و امامت با ترفندهایی چون شایعه، تفرقه و غیره به دنبال تضعیف مقاومت بودند و رهبر سپاهیان حق با روشن‌گری، افشاء‌گری، برقراری مناظرات و... سعی در خنثی کردن نقشه‌های دشمنان داشتند. از این‌رو، باید گفت: تدبیرهای به‌جا و استراتژی عالی امام(ع) در برخورد با این تبلیغات و به‌کارگیری شیوه‌های روانی مناسب، الگویی عالی برای امروز جبهه مقاومت است.

منابع

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات قیام، ۱۳۸۹.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین (۱۳۴۴). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: داراحیاء الکتب العربیه، ج ۳.
۳. ابن اثیر (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر، ج ۳.
۴. ابن عبدالبر، یوسف (بی تا). الإستیعاب فی معرفة الأصحاب. بیروت: دارالجلیل، ج ۳.
۵. ابن مزاحم، نصر (بی تا). وقعة الصفین. قاهره: المؤسسة العربیة الحدیثة.
۶. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان. تحقیق محمدجعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۱۰.
۷. آیینہ وند، صادق (بی تا). سیاست اسلامی. تهران: مرکز فرهنگی علامه طباطبائی.
۸. ثقفی، ابی هلال (۱۳۵۵). الفارات. تحقیق لسیدجلال الدین محدث. تهران: انجمن آثار ملی.
۹. جنیدی، رضا (۱۳۸۹). تکنیک های عملیات روانی و شیوه های مقابله. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۸/۳/۱۴). بیانات در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام خمینی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42758>
۱۱. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۲/۱۶). بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/video-content?id=29633>
۱۲. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۸/۹/۴). بیانات در دیدار با جمع کثیری از بسیجیان کشور. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=8430&nt=2&year=1388&tid=1016>
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
۱۴. سپهر، محمدتقی (۱۳۵۴). ناسخ التواریخ. تهران: کتابفروشی اسلامیة، ج ۳.
۱۵. شرف الدین، صدرالدین (بی تا). عمار یاسر. ترجمه سیدغلامرضا سعیدی. تهران: آیین جعفری.
۱۶. شیخ مفید (۱۳۷۴). الجمل. تحقیق سیدعلی میرشفیعی. قم: مکتب الإعلام الاسلامی.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان. تهران: انتشارات ناصر خسرو، ج ۸، ۵.
۱۸. کوفی، ابن اُثم (بی تا). الفتوح. بیروت: دارالأضواء، ج ۲.
۱۹. متفکر، حسین (۱۳۸۷). جنگ روانی. قم: زمزم هدایت.
۲۰. محدث نوری، حسین (۱۳۶۱). خطرناک ترین دشمن انقلاب. قم: اسلامی.
۲۱. محمدی، حیدر (۱۳۸۰). قدرت سیاسی از دیدگاه امام علی(ع). قم: معارف.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۴.

۲۲. میرقادری، سیدفضل‌الله؛ کیانی، حسین (۱۳۹۱). بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن. *مطالعات ادبی متون اسلامی*، دوره ۱، شماره ۱.
۲۳. نصر، صلاح (۱۳۸۵). *جنگ روانی*. ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی. تهران: سروش.
۲۴. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۶۷). *مستدرک الوسائل*. بیروت: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ج ۱۱.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.137164.1609

میرعرب، فرج‌الله؛ ثنایی، علی‌اصغر (۱۴۰۰). الگوی کارکردی امام علی(ع) برای حراست از جبهه مقاومت. *سیاست متعالیه*، ۹(۳۲): ص ۲۳۱-۲۴۸.